




بیمرز نشریه سیاسی - اجتماعی - فرهنگی است که به صورت فصلنامه منتشر میگردد

شماره ۱۰۲ - آرس ۲۰۲۰

نشریه سازمان پناهندگان ایرانی - بیمرز

### نگاهی به وضعیت زنان در ایران از گذشته

تا به امروز

آزاده بارزاده آقاجاری 

صفحه ۲

### قهرمان ملی یا تروریست بین المللی

ریبوار رهگذر 

صفحه ۴

### زن شطرنج باز ایرانی

محمود رضاخزایی 

صفحه ۵


### یک بار زیستن و این همه مردن

( نگاهی به وضعیت پناهندگان در مرز ترکیه و یونان )

وریا روشنفکر 

صفحه ۶



سخن اول :: وریا روشنفکر 

این شماره چهارم از فصل نامه بیمرز و اولین شماره در سال ۲۰۲۰ است. سالی که تا به امروز بسیار ملتهد و پر حادثه آغاز گشته است. جنایت جمهوری اسلامی در شلیک مستقیم و کشتن ۱۶۷ انسان در بوئینگ ۷۳۷ متعلق به خطوط هواپیمایی اکوراین؛ به انجام رسیدن ماجرای برگزیت در انگلستان و خروج این کشور از اتحادیه اروپا، تراژدی انسانی در مرزهای یونان و ترکیه و گرفتار شدن هزاران پناهجو که خواهان عبور از یونان و رسیدن به اروپا هستند و سرانجام شیوع ویروس کرونا که فجیع ترین بیماری فراگیر در دوران معاصر است که بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران را مبتلا به خود نموده و تاکنون جان بسیاری از انسانها را گرفته. میلیون ها دلار به اقتصاد جهان ضرر زده است.

باز هم در این رویداد عدم توانایی و بی کفایتی حکومت های سرمایه داری که بر جان و مال انسانها چنبره انداخته اند به مانند همیشه مشهود است؛ در ایران جمهوری اسلامی و در چین؛ هیئت حاکمه این کشور در ابتدا با مخفی کاری و انکار موضع جان

ادامه صفحه بعد



گردد. ظاهراً سال ۲۰۲۰ سالی پر رخداد است؛ امیدوارم هرچه که رخ میدهد در نهایت به سوی

سعادت و رهایی و اجرای عدالت و صلح در جهان بینجامد؛ زیرا همه انسانها شایسته داشتن زندگی مناسب و مرفه و سالم هستند. وحق داشتن سکونت گاهی مطمئن و مطلوب حق اولیه تمامی انسانها با هر رنگ و زبان و نژادی هست.

یکی دیگر از مقاصد جهان گردان اتفاق افتاد که منجر به قرطینه شدن تقریباً کامل این کشور گردید.

فاجعه کرونا تا به این لحظه ظاهراً فراتر از تصور و انتظار اربابان پول و قدرت در جهان در حال تاخت و تاز هست و مسلماً در این میان برای انسانهای های فقیر از نظر مالی و یا ضعیف از نظر سلامت جسمانی در هیبت یک هیولا و برای شرکت های غول اسای جهان سرمایه داری یک فرصت برای چپاندن و ثروت اندوزی بیشتر است. باید دید که این ویروس ویرانگر تا به کجا تاخت و تاز میکند و امیدوار بود هرچه زودتر راه حل هایی فراگیر و ارزان جهت مهار آن در کل کشورها اعمال

هزاران شهروند خود را به خطر انداخته و باعث شیوع افسار گسیخته این ویروس هار در تمام دنیا گشته اند.

هنوز هم کشورهایی هستند که عدم اعلام امار مبتلابان به این ویروس در آنها با توجه به موقعیت جغرافیایشان بسیار جای تعجب دارد؛ در این میان ترکیه که اقتصادش مبتنی بر صنعت توریسم استوار است تا به امروز؛ هیچ آمار دقیق و شفافی از تعداد مبتلابان به این ویروس ارائه نداده و این خود میتواند بعنوان یه منبع آلوده و قابل شیوع در سراسر دنیا به واسطه تردد مردم از کشورهای مختلف به ترکیه بسیار خطرناک و هولناک باشد، نمونه این وضعیت در ایتالیا



عرب را از زنان در جامعه ایران شاید بد نباشد که در این روزگار

مبارزه با حجاب اجباری، بدانیم طاهره پیشاهنگ مبارزه با حجاب بود و حجاب را باعث نادانی و نماد سرکوب زنان می دانست. وی را نخستین زنی می دانند که به حجاب اعتراض کرد. او از زنان بسیار تاثیرگذار در تاریخ مبارزات زنان ایران بوده است.

تاج السلطنه، دختر ناصرالدین شاه قاجار، متولد ۱۲۶۲ هجری شمسی از دیگر زنان مبارز و تاثیرگذار بود. این شاهزاده قجری که بسیار فراتر از دوران خود بود و اندیشه هایی مدرن و فمینیستی داشت. تاج السلطنه از اندک افرادی بود که در آن روزگاران شروع به نوشتن خاطرات زندگی اش نمود. کاری که در آن دوران حتی مردان نیز در جامعه ایران چندان با آن آشنا نبودند.

ادامه صفحه بعد

## نگاهی به وضعیت زنان در ایران از گذشته تا به امروز

### آزاده بارزاده آقاجاری



زنان در جامعه ایران

«ضعیفه هایی» بودند که در پستوهای خانه هایشان بی نام و نشان، و در انزوا به سر می بردند.

پیش از آن نیز بودند برخی زنان سنت شکن که از پستوی خانه ها فراتر رفته و در اجتماع از خود نشان و ردپایی بر جای گذاشتند. زنان مبارزی که اگر تلاشها، مبارزات و از جان گذشتن های آنها نبود؛ شاید ما زنان در جایگاه امروز نبودیم و هنوز پشت دیوارهای اندرونی محبوس و منزوی به سر می بردیم.

فاطمه زرین تاج برغانی قزوینی ملقب به طاهره قره العین، شاعر و عالم مذهبی ایرانی، از این دست زنان بود. طاهره اولین زنی بود که در ایران به فساد فی الارض متهم و اعدام شد. وی در زمانی که در ایران نه تنها زنان که اکثریت جامعه مردان هم بی سواد بودند، مقدمات علوم، فقه، اصول، کلام و ادبیات

وضعیت اجتماعی زنان ایرانی در دوره های مختلف تاریخی، همواره آسف بار بوده است. پدیده هایی مانند مذهب و نگاه کلاسی به زن همواره زنان را بعنوان جنس دوم و جزء اموال مردها تعریف نموده است. که حداکثر نقش قابل تصور برای آنها ارائه خدمات در مقام مادر و خواهر و دختر در کنج اندرونی خانه ها و حرم سراها بوده است.

شاید بتوان گفت مبارزات زنان ایران برای به دست آوردن آزادی و حقوق اولیه انسانی شان دست کم از صد سال پیش آغاز شده است. هرچند که پیش از آن نیز بودند زنانی که جبر و تبعیض مردانه را نمیپذیرفتند و جسورانه می ایستادند. اما مبارزاتی که بتوان آن را به صورت یک جنبش مبارزاتی در نظر گرفت تقریباً از نزدیک به صد سال پیش شکل گرفت. تقریباً تا پیش از صد سال پیش،

او بدون هیچ ترسی بسیار آزاد، رها و روان، از احساسات زنانه‌اش، عشق و دلدادگی‌اش، و از خواسته‌های برحقش سخن می‌گفت. در روزگاری که سواد برای زنان خطرناک شمرده میشد، خانه و آشپزخانه را تنها جای مجاز و طبیعی برای زنها میدانستند و زنان از حق سواد آموزی محروم بودند، تاج السلطنه از خاطراتش می‌نویسد. وی در خاطراتش، بر هر آنچه که «نباید» می‌تازد و از باورها، بایدها و علایق خود سخن می‌گوید و آزادانه آنها را مینویسد. با شجاعت تمام در برابر قوانین نابرابر می‌ایستد و به آنها می‌تازد.

بی بی خانم استر آبادی، از دیگر زنان مبارز و تاثیرگذار ایرانی بود که تلاشها و مبارزات بسیار خردمندانه او در رسیدن زنان به جایگاه کنونی و داشتن حقوق امروزی بسیار موثر بوده است. او از نویسندگان دوران مشروطیت، نویسنده کتاب طنزآمیز «معایب الرجال» (در پاسخ به اندرزنامه‌هایی به اسم «تادیب النسوان») بود که مردان برای «آموزش زنان» می‌نوشتند. او اولین دبستان دختران را با نام مدرسه دوشیزگان بنا نهاد.

بی بی خانم در روزنامه‌های حبل‌المتین، تمدن و نشریه مجلس مقاله می‌نوشت. وی را نخستین زن طنزنویس ایرانی میدانند. بیشتر مقالات وی در دفاع از آموزش دختران بود.

شاید بتوان آغاز جنبش مستقل آزادیخواهی زنان در ایران را زمان آغاز به کار نشریه «دانش» دانست. «دانش» هفته‌نامه‌ای اجتماعی بود که از مطالب خانوادگی مینوشت و توسط انجمنی از زنان که سردبیر آن «خانم دکتر کحال» بود نوشته و اداره می‌شد.

صدیقه دولت‌آبادی، روزنامه نگار تجدد طلب و از فعالان سیاسی دوران مشروطه است که

نشریه «زبان زنان» را در سال ۱۲۹۸ شمسی در اصفهان منتشر کرد. وی خواهر یحیی دولت‌آبادی، نویسنده معاصر، بود. صدیقه اولین زن ایرانی که در یک کنگره بین‌المللی به نمایندگی از زنان ایران شرکت کرد و سخنرانی کرد. او نیز یکی دیگر از زنان تاثیرگذار ایرانی بود که برای نجات زنان از نابرابری‌های اجتماع آن روزگار تلاشهای بسیاری را انجام داد.

زنان ایرانی برای ایجاد تغییر و حذف بی عدالتی‌ها و نابرابری‌ها تلاشهای بسیار کردند و دست به اقدامات سازنده بسیاری زدند. آنها در راستای فرهنگسازی و آگاه کردن دیگر زنان و دختران جوان مدارس و انجمن‌هایی را تاسیس کردند. «جمعیت نسوان وطنخواه» که در اوایل بهمن ماه سال ۱۳۰۱ توسط محترم اسکندری در تهران شروع به کار کرد از این دست اقدامات بود. اسکندری این جمعیت را با هدف ترویج حقوق زنان و بهبود شرایط دختران تشکیل داد. وی شاعری پیشگام در جنبش زنان ایران و ناشر نشریه «نسوان وطنخواه» نیز بود.

در دورانی که زنان در تهران از یک سو و مردان از سوی دیگر پیاده رو حرکت می‌کردند، برخی زنان پیشرو و روشنفکر بدنبال راهی برای رهایی از بند تبعیض و رسیدن به حقوق اولیه انسانی خود بودند.

دهه‌هاست که جنبش آزادیخواهی زنان ایران برای رسیدن به برابری و «حقوق اولیه انسانی» خود در حال مبارزه با فرهنگ و قوانین مردسالاری است که حتی حق آزادی پوشش را نیز از زنها گرفته‌اند.

زنان پیشرو و آزادیخواه ایران از همان ابتدای آغاز جنبش آزادیخواهانه‌شان سعی در

آگاه‌سازی زنان و دختران جامعه داشته‌اند. چرا که واقعیت این است؛ زن اسیر و دربند، زن خار شده و زن ناآگاه هرگز نمیتواند فرزندان رها و آزاده پرورش دهد. زنان نادان کودکان نادان به بار می‌آورند، و زنان در بند کودکانی اسیر.

مبارزات زنان ایران در صد سال اخیر فراز و فرودهای بسیار داشته است؛ اما یقیناً انقلاب ایران و روی کار آمدن جمهوری اسلامی یک عقبگرد و پسرفت بسیار شدید در راه جنبش آزادیخواهی زنان و احقاق حقوق زنان ایران بوده است.

بیشتر زنان و مردانی که در جریان انقلاب ۵۷ شرکت داشته‌اند در پی برابری، عدالت اجتماعی و آزادی‌های سیاسی بیشتری بودند. اما حکومتی بر مسند قدرت نشست که تلاشها و مبارزات آزادیخواهانه مردم را مصادره کرد. جمهوری اسلامی سبب شد تا زنان نه تنها بسیاری از حقوق به دست آورده شده در طی سالها تلاش و مبارزه مدنی را از دست بدهند، بلکه پس از گذشت بیش از چهل سال هنوز در تلاش باشند تا بتوانند حق آزادی انتخاب پوشش خودشان را به دست بیاورند.

بزرگترین ضربه‌ها به جنبش آزادیخواهانه زنان از همان هفته‌های اول انقلاب وارد شد. قوانین کشور شاهد یک عقب‌گرد تاریخی بسیار بزرگ بود. در اولین گام، قانون حمایت از خانواده ملغی شد. حق طلاق، حق حضانت، سرپرستی و قیمومیت فرزندان که برای زن و مرد تقریباً مساوی بود؛ به نفع مردان تغییر کرد. قانون جزای اسلامی را گذاشتند و زن حق و ارزشش شد نصف حق و ارزش مرد.

قانون سنگسار و قوانین بربریت و دوران است. درصد بسیار بالایی از زنان ما تحصیلات متوقف نشده است، بلکه در سطح جهانی قبایلی برای زنان ایرانی تصویب و اجرا شد. دانشگاهی دارند و بسیاری از آنها نیز دارای شناخته شده است.

مشاغل مانند "قضاوت" مردانه شد و زنان این تحصیلات عالی هستند. حالا اغلب زنان ما شاید در کوتاه مدت جنبش آزادی خواهی حق تقریباً تازه به دست آورده را نیز از دست تحصیل کرده و آگاه به حقوقشان هستند. زنان به نتیجه مطلوب نرسد و سرکوب شود. دادند. قضاتی مانند خانم "شیرین عبادی" از دیگر آزادیخواهی و برابری طلبی مختص زنان اما یقیناً در آینده‌ای نه چندان دور پیروزی از کار برکنار شدند. رفته رفته جنسیت گرایی ثروتمند و بالای شهر تهران نیست. زنان حتی آن زنان است.

حاکم شد و بسیاری از مشاغل و رشته های در شهرهای کوچک و روستاها خواهان حقوق برابر و رفع تبعیض های جنسیتی هستند.

دانشگاهی جداسازی جنسیتی شدند. جنبش زنان ایران و کمپین های آنان نه تنها اکنون اما شرایط جامعه بسیار تغییر کرده



## قهرمان ملی یا تروریست بین المللی

ریوار رهگذر



نگاهی به بیوگرافی قاسم سلیمانی می‌کنیم، او در سال ۱۳۳۵ در روستای قنات ملک واقع در شهرستان رابر از توابع کرمان زاده شد و تا قبل انقلاب جمهوری اسلامی به کار بنایی و کارگری مشغول بود. پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به این نهاد پیوست.

قاسم سلیمانی در ابتدای جنگ ایران و عراق، گردانی از نیروهای کرمانی تشکیل داد که نهایتاً به لشکر ۴۱ ثار الله تبدیل شد. سپس به فرماندهی سپاه قدس شاخه برون مرزی رسید و در تشکیل شبهه نظامیان شیعه سپاه بدر، کتاب حزب الله و حشد الشعبی نقش بسزایی داشت. از ابتدا اعتراضات سراسری مردم عراق، بسیاری از شعارها، قاسم سلیمانی و رژیم جمهوری اسلامی را نشانه میرفت و سرانجام در بامداد جمعه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ در نزدیکی فرودگاه بغداد سلیمانی به همراه گروهی از فرماندهان نظامیان شیعه در حمله آمریکا کشته شدند. در نهایت این اتفاق منجر به تبلیغات دروغین و پوپولیستی رژیم ج ا و صرف میلیاردها هزینه برای ساختن قهرمانی ملی از سلیمانی شده و نمونه‌ای از قهرمان سازی این شخص، تبلیغ می‌شود که از ورود داعش به ایران جلوگیری نموده است. تبلیغ میشه که سلیمانی داعش رو نابود کرده در حالی که تمام فرماندهان داعش توسط آمریکا و متحدانش و معترضان سوری کشته شدند. تبلیغ میشه سلیمانی در عراق و سوریه به دنبال منافع ملی بوده، به گفته خامنه‌ای که در ۲۵ فروردین ۱۳۹۷ گفته بود: حضور ما در سوریه بخاطر حمایت از مظلوم است! کدام مظلوم؟ حالا نگاهی به تاریخ انقلاب سوریه می‌اندازیم، انقلاب مردمی سوریه در سال ۲۰۱۱ شروع شد و سپاه قدس تحت فرماندهی سلیمانی از روزهای اول حامی بشار اسد از منفورترین چهره‌های سیاسی جهان بود. داعش در سال ۲۰۱۴ اعلان موجودیت کرد، در طول سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۱ سپاه قدس در سوریه چه کرده؟ خون کشته شدن ۵۱۱ هزار غیر نظامی برگردن کیست؟

بعد از کشته شدن سلیمانی، در ایران و حتی بعضی از کاربران شبکه‌های اجتماعی که طرفدار ولایت فقیه هم نیستند و بدون شناخت طرف، سوگوار سلیمانی شدند که در اصطلاح سیاسی-روانی به سندروم استکهلم مبتلا شدند. این عارضه روانی به دل بستگی به گروگان گیر گفته می‌شود، این اصطلاح به جریانی که فردی اقدام به گروگان گیری چند نفر در بانکی در استکهلم سوئد در سال ۱۹۷۳ انجام داد،

شروع شد و در این حادثه شرایط روانی ایجاد شد که منجر به برانگیختن عواطف و احساسات مردم و در نهایت منجر به دفاع قربانیان از گروگان گیر شد.

### و حالا شناخت سپاه! چند سوال در نگاهی اجمالی به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

آیا سپاه نیرویی برای دفاع از ایران و مردم ایران است یا خیر؟ پاسخ این سوال را با مراجعه به اساسنامه سپاه بررسی می‌کنیم، در ماده ۱ فصل ۱ اساسنامه سپاه آمده است: (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی مقام رهبری که هدف آن نگهداری از انقلاب اسلامی است).

وظیفه اصلی و اولیه سپاه دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن است. در اردیبهشت ۱۳۹۷ در یادار فدوی فرمانده نیروی دریایی سپاه گفت: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هیچ کلمه‌ای در ادامه ندارد حتی ایران! وظیفه سپاه طبق اساسنامه‌اش پاسداری از انقلاب و ولایت فقیه است نه لزوماً کشور ایران.

نمونه بارز آن را سپاه در پاسداری از ولایت فقیه در مقابل مردم ایران در ابان ۱۳۹۸ به نمایش گذاشت و ۱۵۰۰ نفر از مردم ایران با شلیک مستقیم گلوله و زیر شکنجه جان باختند و اکنون قاسم سلیمانی یکی از فرماندهان اصلی این گروه، کشته شده! آیا می‌توان او را قهرمان ملی ایران نامید؟

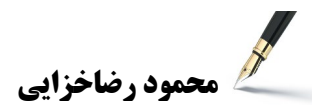


در وسط سالن فرودگاه مشغول اقامه نماز بود، فاصله می‌گرفتند.

همه متعجب؛ آنها از طرز پوشش ما و من از نگاه‌های خیره‌وبی‌امان دوست کوچک آلمانی که برای تبریک به سمت دست دراز کرد، اما سرپرست تیم با اشاره به من فهماند که مبادا دست بدهی.

آری، جمهوری اسلامی ایران کودکان را وارد بازی دلخواه خود می‌کند و بی‌آنکه خودشان بدانند از آنها عروسکهایی می‌سازند، برای توسعه افکار و آرمانهای باطلش. از کتابهای دینی دوران ابتدایی تا دانشگاه گرفته تا برنامه‌های تلویزیون و نام خیابانها و... در لحظه لحظه زندگی همه مردم حضور دارند و اگر خوب بنگرید خواهید دید که نقش تک تک افراد جامعه ایران در اشاعه این تبلیغات کم‌رنگ نیست هر کدام از ما مردم ایران با قرار دادن خشتهایی هر چند کوچک و ناچیز از نظر خودمان سنگ بنایه آنچه به سرمان آمده است را گذاشته ایم و خود با دستهایمان

## زن شطرنج باز ایرانی



دستان شطرنج بازان زن ایرانی به ما نشان میدهد، برای زنانی مثل میترا حجازی پور فضایی پیدا می‌شود که در مقابل ظلم آشکار حکومت بایستند و حق خودشان دفاع کنند. زندگی او تحت سلطه حجاب اجباری در سن ۶ سالگی با جمله "عمو جان بهتر نیست روسری بگذاری" آغاز شد.

از آن پس همواره حتی در محیط خانواده ملزم به رعایت حجاب میشود. او از تجربه تلخ اولین سفر خارجی به واسطه حجاب میگوید

؛ کودکی ۹ ساله بودم. مبهوت بودم بلوندهای آلمان که چطور خیره و حیرت زده سر تا پای ما را می‌نگریستند و از خانوم چادری حراست تیم که نه در گوشه بلکه

این هیولا را آب و نان داده ایم. اما میترا حجازی پور تصمیم گرفت که دیگر در ساخت و پرداخت این جرثومه‌ی هولناک سهمی نداشته باشد و دیگر بازی با عاشق حجاب اجباری هستیم و با آن مشکلی نداریم؛ شرکت نکند.

به عقیده من حجاب اجباری نماد بارز مسلکی است که در آن زن، جنس دون محسوب میشود. انبوه محدودیتها را برای یک زن ایجاد و او را از داشتن حقوق اولیه خود محروم میکنند. آیا این مصونیت است؟ قاطع میگویم این تنها و تنها محدودیت است.



## یک بار زیستن و این همه مردن

( نگاهی به وضعیت پناهندگان در مرز ترکیه و یونان )

وریا روشنفکر



دیدن بعضی از تصاویر و صحنه ها که به برکت پیشرفت تکنولوژی در روزگار ما رقم خورده ، میتواند تا مدتها وشاید برای همیشه بر تارک ذهن و روح ما نقش ببندد. بسته به آنکه چه دیدیم و چرادیسیم و چه تاثیری از این دیدن در ما حاصل شده روح و احساس ما تاثیر می پذیرد.

در چند هفته اخیر من در میدیای اجتماعی شاهد صحنه هایی بوده ام که کلماتی نظیر ، تاسف، وحشت ، غمبار ، بسیار در توصیفش کوچک و کم جلوه مینمایند. در کشاکش سرمایه داری کثیف ، معامله ودست مالی حکومتهای فاسد ، باج خواهی انگلی مانند اردوغان از سیستم سرمایه پرور غرب ، هزار زن ومرد و کودک ، که از مأوا و مسکن خود به جبر ، رانده شده یا کوچ داده شده اند ، انسانی های که فقط جانشان برایشان مانده و آن را برداشته و آواره برزخ ترکیه شده اند تا شاید در سراب پناهندگی در اروپا بتوانند تن رنجور و روح زخمیشان را التیام بدهند ، با بدترین و بی رحمانه ترین شیوه ، چنان که تاریخ باید از بازگرددنش شرمسار گردد وانسان ، موجود متمدن ومتفکر ، می بایست تا بلندای تاریخ خجول رفتار هم نوعش گردد ، در مرز ترکیه ویونان مورد تعدی و هتک حرمت وکرامت انسانیشان از جانب پلیس یونان مواجه گشتند.

دیدن صحنه هایی که این انسانهای بی پناه مجبور به عریان گشتن شدن و اندک کوله بارشان که تمام داریشان از این دنیای وحشیست سوزانده می شود .

در سرمای کشنده مجبور به رفتن درآب میشوند با کابل وباتوم به جانشان می افتند، مرا چنان شک نمود که تا چند روز هضم این تصاویر برای غیر ممکن بود تمام تلاشم را میکردم که بپذیرم درسیستم سرمایه داری ، ماشین مهیب سرمایه تهی از اخلاق و انسانیت است ، اما راستش لمس عینی مسئله بسیار دشوارتر از گفتن وتعریف مفاهیم است . درطول تاریخ همواره زمانهایی بوده که انسان از انسان بودنش شرمسارگشته ، نمونه های اخیر آن از آلمان دوران هیتلر ، ایران دوران جمهوری اسلامی ، ترکیه دوران اردوغان ، شیلی دوران پینوشه ، دوران جنگ کثیف در آرژانتین ، نسل کشی در افریقا و ظهور داعش و نسل کشی ایزدیهها و ده ها و صدها مورد دیگر، وجه مشترک تمامی این حکومتها ریشه در سرمایه و سود دارد ، جایی که انسان کالایی میگردد جهت تامین منافع طبقه حاکم و جاننش هیچ ارزشی ندارد مگر در راستایی سود دهی .

اوضاع وخیم آوارگان سوری و پناهجویان در مرزهای ترکیه و یونان در میانه همه گیری کرونا، به بحران مزمن دیگری تبدیل شده است.

ترکیه که در سال ۲۰۱۶ میلادی برای جلوگیری از موج مهاجرت آوارگان سوری از مرزهای خود توافقی با اتحادیه اروپا امضا کرده بود اما از جمعه ۹ اسفند، اندکی پس از کشته شدن ۳۳ سرباز ترک در حمله هوایی در ادلب در شمال سوریه اعلام کرد، آنکارا از این پس دیگر دروازه های مرزی خود را به روی پناهجویانی که می خواهند به اروپا بروند، نمی بندد.

این سخنان آغاز روندی تازه در سیاست ترکیه در قبال پناهجویان و اتحادیه اروپا شد. پس از آن نیز، «رجب طیب اردوغان «رییس جمهوری ترکیه با تاکید بر آنکه کشورش دیگر نمی تواند موج جدید مهاجرت پناهندگان را کنترل کند، گفت که دولتش اجازه می دهد که پناهندگان از طریق ترکیه به اروپا بروند.

براساس آمارهای اتحادیه اروپا، در حال حاضر ترکیه چهار میلیون پناهنده دارد و هزاران نفر از آنها در مرزهای یونان و بلغارستان منتظر ورود به اتحادیه اروپا هستند.

ادامه در صفحه بعد



رسانه‌های منطقه دهم اسفند از باز شدن مرز ترکیه با اروپا روی آوارگان سوری و عبور ۳۷ هزار مهاجر از مرز این کشور و تلاش برای ورود به یونان خبر دادند.

## وضعیت پیچیده پناهجویان در مرز ترکیه و یونان

ترکیه با باز کردن مرزها در برابر پناهجویان سبب حرکت گسترده آنها به سمت مرز یونان شده و وضعیت این منطقه را بسیار بغرنج و پیچیده کرده است.

در حالی که نیروهای پلیس یونان تلاش می‌کنند پناهجویان را به ترکیه بازگردانند، سلیمان سویلو وزیر کشور ترکیه اعلام کرد این کشور از روز پنجشنبه در حال مستقر کردن یک هزار پلیس ویژه در سراسر مرزها با یونان با هدف جلوگیری از بازگشت آوارگان به داخل ترکیه است. این رویکرد آنکارا و آتن سبب شده پناهجویان در مرزهای ترکیه و یونان با وضعیت بغرنجی روبه‌رو شوند. در حالی که رسانه‌های ترکیه اعلام کردند پلیس مرزی یونان به منظور جلوگیری از ورود آوارگان به این کشور از گاز اشک‌آور، نارنجک‌های شوک‌دهنده استفاده می‌کند و آتن را به عدم پایبندی به مسایل حقوق بشری متهم می‌کند، وزارت امور خارجه یونان نیز ترکیه را به شکست در تعهد خود با اتحادیه اروپا متهم می‌کند.

این بحران تا جایی پیش رفت که در روزهای اخیر بسیاری از مقام‌های اتحادیه اروپا از جوسپ بورل مسئول سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا گرفته تا اورسولا فون دیر لاین رئیس کمیساریای اتحادیه اروپا، شارل میشل رئیس شورای اروپایی و دیوید ساسولی رئیس پارلمان اروپا به ترکیه و یونان سفر کردند.

از همان زمان بسیاری از مقام‌های اروپایی و تحلیلگران سیاسی این اقدام ترکیه را به عنوان ابزاری برای بهره‌برداری در معادلات سیاسی و اقتصادی به ویژه کسب حمایت در پرونده سوریه تعبیر کردند.

## باج خواهی به شیوه ترکیه

پس از آنکه در روزهای گذشته ترکیه مدعی شد یک پناهجوی سوری توسط نیروهای پلیس یونان کشته شد، بحران میان ترکیه، یونان و اتحادیه اروپا تشدید شد.

«سباستین کورتس» اقدام ترکیه در بازکردن مرزهای مشترک خود با اروپا به سوی پناهجویان را به باد انتقاد گرفت.

وی با بیان اینکه ترکیه این کار قصد دارد اتحادیه اروپا را تحت فشار قرار دهد و این قابل پذیرش نیست هشدار داد، بحران هجوم پناهجویان به مرزهای اروپا در سال ۲۰۱۵ نباید تکرار شود. این فشارها و انتقادات از سوی دیگر کشورهای اروپایی نیز ادامه داشت.

ژان ایو لودریان وزیر امور خارجه فرانسه پس از افزایش تنش‌ها در مرز ترکیه و یونان، گفت: این که ترکیه از پناهجویان به عنوان اهرمی برای باج‌خواهی از اروپا استفاده می‌کند، قابل قبول نیست.

وزیر امور خارجه فرانسه که در جمع نمایندگان پارلمان این کشور سخن می‌گفت، افزود: پذیرفتنی نیست که ترکیه ز مسأله پناهجویان برای فشار بر اروپا استفاده کند. لودریان اضافه کرد: در چهار سال گذشته، اروپا به توافقی که در مارس ۲۰۱۶ (اسفند ۱۳۹۴) با ترکیه امضا کرد، از جمله تعهدات مالی احترام گذاشته به همین خاطر آنکارا نیز باید به تعهدات خود پایبند باشد. اتحادیه اروپا در فروردین ۹۴ در قبال دادن برخی امتیازها به دولت آنکارا همچون فعال کردن فرایند پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا، لغو مقررات روادید برای شهروندان ترک در سفر به اتحادیه اروپا و کمک ۶ میلیارد یورویی به آنکارا برای اسکان پناهجویان، از ترکیه خواست به طور جدی از عبور پناهجویان از طریق این کشور به اروپا جلوگیری کند.

**ادامه در صفحه بعد**

اما با تغییر شرایط در سوریه و برخی اختلاف ها میان ترکیه و اتحادیه اروپا در ناتو، آنکارا در عمل تلاش کرد تا از ابزار پناهجویان برای تحت فشار قرار دادن اروپا برای همراهی با آنکارا در درگیری های سوریه استفاده کند. در همان زمان یونان درخواست ترکیه از ناتو برای پذیرش حمایت سیاسی و نظامی در قبال بحران ادلب سوریه را وتو کرد.

حق انتخاب محل سکونت، درشرایطی انسانی و با رعایت استانداردهای پذیرفته شده رفاه اجتماعی حق هرانسان، فارغ از نژاد و زبان و مرام و مسلک کی باشد. وجود مرزهای سیاسی ساخته دسته بشر، و تقسیم انسانها در سکونتگاهی که فاصله زیستن در آنها زمین تا آسمان است، قطعاً دستاورد سرمایه داریست، تا زمانی که انسانها قدم عمل در راه سوسیالیسم نگذارند و درجهت رفع تمامی تعاریف حاکم برنظام سلطه که آنها رامجبوربه پذیرش هویتهایی ملی و طبقاتی نموده نمایند، قطعاً شاهد چنین تراژدیهای انسانی خواهیم بود.

## اطلاعیه سازمان پناهندگان بيمرز درمورد تراژدی پناهندگان در مرز ترکیه و یونان

چه کسی مسئول این فجایع انسانیست؟ دول فاشیست بورژوازی این کره خاکی را برای خود به بهشت و برای میلیونها انسان به جهنم تبدیل کردهاند.

ده ها هزار انسان جنگ زده در سوریه و هزاران فراری جهنم اسلامی ایران و افغانستان برای یافتن مکانی امن و سرپناهی که در آن آسوده زندگی بکنند، اینچنین مابین دو سنگ آسیاب اروپا و ترکیه له می شوند.

این صحنه های دلخراش چیزی جز یک تراژدی انسانی توسط رژیمهای فاشیست نیست که پناهجویان را بعنوان ابزاری علیه هم استفاده میکنند و اینچنین با زندگی آنان بازی میکنند و کرامت و حرمت انسانی اشان را لگدمال می کنند. در مقابل این بربریت علیه پناهجویا باید ایستاد

باید با صدای رسا بگوییم: پناهندگی جرم نیست بلکه حق بی چون و چرای هر انسانی فراری از جنگ و اجحاف است. باید خواستار غیرجنایی کردن حق پناهندگی باشیم.

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بی مرز شدیداً این برخورد وحشیانه به پناهجویان را توسط دولت های یونان و بلغارستان و ترکیه، محکوم میکند.

**سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بی مرز**



سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد  
 Iranska Flyktingars Riksorganisation - Sveriges sektion



ما از تمامی پناهندگان مخالف جمهوری اسلامی دعوت مینماییم که به  
 سازمان پناهندگان بيمرز به پیوندند .

سازمان پناهندگان ایرانی بيمرز؛ سازمانی غیر دولتی  
 و مردمی مدافع حقوق پناهندگانی است. ما معتقدیم عامل  
 آوارگی، فرار و مهاجرت میلیونی مردم حکومتها و دولتهایی  
 هستند که امکان زندگی امن، محترمانه، سالم، مرفه، صلح  
 آمیز، برابر و آزاد را از شهروندان خود سلب نموده اند.

تنها یک جهان بيمرز که همه شهروندان  
 را برابر و آزاد در خود جا دهد، میتواند برای همیشه به  
 پناهندگی، فرار، آوارگی و مهاجرت اجباری پایان دهد.

**مسئولیت مستقیم مقالات منتشر شده با نویسندگان مقاله**

**هست و سازمان بيمرز در این مورد مسئولیتی ندارد**

تماس با واحدهای سازمان بيمرز

دبير سراسری سازمان بيمرز

سعید آرمان

تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷

Adress: IOIR, BM BOX 2592,  
 London, WCIN 3XX, UK.

E-mail: saeed\_arman2002@yahoo.co.uk

دبير واحد سراسری سوئد بيمرز

محمود محمد زاده

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۶۲۲۸۷۲۶

دبير واحد استکهلم سازمان بيمرز

وریا روشنفکر

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۶۴۱۴۴۹۴۶

دبير واحد گوتنبرگ

ابوبکر شریف زاده

تلفن: ۰۰۴۶۷۲۲۹۱۸۰۷۰

ادمین سایت سازمان بيمرز

@Pordel\_zare

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۷۲۴۹۲۳۱